



خالد حاج محمدی

## اعتصاب کارگران پروژه ای نفت

بیش از ۲۰ هزار کارگر پروژه ای در مراکز نفتی حدود یک ماه است در اعتصابند. مطالبات اصلی کارگران عبارت است از افزایش دستمزد، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز تعطیلی و حذف شرکتهای پیمانکاری و یکسری مطالبات رفاهی و بهداشتی و... این چهارمین دوره اعتصابات کارگران پروژه ای در مراکز نفتی از سال ۹۹ تاکنون است. اعتصابات کارگری در این پروسه چهار ساله بطور دایم بر خواست افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و قرارداد مستقیم با شرکت نفت، کاهش روزهای کاری و بعلاوه مطالبات دیگری مانند بهبود محل خواب، بهداشت، سرویس های ایاب ذهاب ... بوده است. کارگران در اعتصابات اخیر تاکید کرده اند که ساعت کار نباید از ۸ ساعت در روز بیشتر باشد و این پدیده مهمی در اعتصابات اخیر است. اعتصابات کارگری در طول این چهار سال دستاوردهایی داشته است و بعضی مشکلات و موانع در مسیر مبارزه خود را کاهش و بعلاوه میزان مشارکت کارگران در اعتصاب افزایش و هم سطح مطالبات آنها و بالا رفتن توقعات کارگران با توجه به دستاوردهای تا کنونی، بهبود یافته است.

این اعتصابات که از ۳۱ خرداد شروع شد تا کنون و علیرغم تهدیدات کارفرمایان، توطئه های آنها، تلاش برای جایگزینی کارگران جدید و شکست اعتصاب، تهدید فعالین کارگری، تلاش برای نفاق و چند دستگی میان آنها، تهدید به اخراج کارگران اعتصابی و... متحدانه ادامه داشته است.

مراکز نفتی و گاز و پتروشیمی ها یکی از حساس ترین مراکز کارگری و یکی از مراکز مهم صنعتی است. به همین دلیل در چند دهه گذشته تلاش فراوانی از جانب دولت و بورژوازی ایران انجام گرفت تا شرایطی را به کارگران تحمیل کنند که امکان اعتراض را نداشته باشند، اتحاد کارگران را سخت کنند، اجازه هر نوع تشکل حتی تشکلهای زرد را از آنان بگیرند و اخراج کارگران بدون هیچ مانعی انجام بگیرد و فضای پادگانی را بر این مراکز حاکم کنند. ص ۲



## و این ماجرای اسب زین شده!

مصطفی اسدیپور

کسی انتظار نداشت که انتخابات و معرکه رای گیری پایان دعوها و کشمکش صفوف طبقه حاکم باشد، اما میداناری کیهان شریعتمداری و «مدعیان اصلاحات»، در دو قطبی «اسب زین شده» و «سرزمین سوخته» حکایت از عمق ماجراجویی و دشمنی دستجات حکومتی نسبت به مردم کارگر و زحمتکش دارد. ترسیم دو دوره از حکومت جمهوری اسلامی، یکی با ریاست روحانی و دیگری تحت ریاست ابراهیم رئیسی، هر دو از سیاه ترین سالهای تاریخ معاصر با آب و تاب و معیارهای توسعه و پیشرفت جز با خزعبلات و هذیان، جز با هیستری ضد کارگری ممکن نیست. این دقیقا همان چیزی است که در ستونهای رسانه های این جریانات بوفور به سوی جامعه پرتاب میشود.

کیهان و رقبای اصلاح طلب چیز زیادی در بضاعت ندارند که از خود و یا طرف مقابل بدست بدهند، اما هر دو با هم، مشتکا و با تمام قوا، زمینه های پسا انتخاباتی در حمله به کارگر و زحمتکش جامعه را آماده میکنند. حرف دهان یکدیگر میگذارند، سر خود را به بزرگ کثیف ترین پرونده های جنایی و مافیایی سازمان یافته در قالب های «اقتصادی» و «پروژه های دولتی» شلوغ کرده اند و راه را برای دوره دیگری از حمله به طبقه کارگر هموار میسازند. آن جامعه هرگز با چنین مرزهایی از لجنزار بورژوازی، از رذالت و با این درجه مالیخولیای بهره کشی و استثمار از انسان کارگر روبرو نبوده است. ص ۳

## برای آزادی شریفه محمدی

خالد حاج محمدی

حکم ضد انسانی اعدام برای شریفه محمدی به جرم دفاع از حقوق کارگری و حق زن، به حق موجی از نفرت و اعتراض در ایران و در خارج ایران راه انداخته است. در ایران خواست آزادی بی قید و شرط و فوری شریفه محمدی به خواست طیف وسیعی از نهادها و شخصیتهای اجتماعی، فعالین زن و فعالین کارگری و ... تبدیل شده است. اعتراض رسمی ۱۶ نفر از زنان زندانی در زندان اوین، اعتراض بازنشستگان شوش، سندیکای کارگران شرکت واحد، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، اعتصاب غذای ۵۵ نفر از زندانیان زندان اوین در اعتراض به این حکم، حمایت کارگران زندانی، رضا شهابی، داود رضوی و حسن سعیدی... از شریفه محمدی بخشی از این اعتراضات است. همزمان طوماری از جانب خانواده شریفه محمدی در محکومیت این حکم و با خواست آزادی فوری او راه افتاده که تا کنون بیش از ۵ هزار نفر آنرا امضا کرده اند.

موج وسیع اعتراض به این حکم و تلاش برای آزادی شریفه محمدی به ایران محدود نشده است. در خارج کشور نیز تحرکی وسیع از طرف اتحادیه های کارگری و نهادهای اجتماعی و انسانیست، منجمله اتحادیه های کارگری و نهادهای عبارتند از: کلکتیو سندیکایی فرانسه، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک، کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا، اتحادیه های کارگری در ولس، سازمان سراسری کارگران سوئد (ال او)، پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد- ایران، سازمان عفو بین الملل، در اعتراض به این حکم قرون وسطایی و برای آزادی فوری شریفه محمدی در جریان است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

در این مسیر مجموعه ای اقدامات را انجام دادند که مهترین آنها بعد از پاکسازی این مراکز از فعالین با اتوریته و کارگران معترض و پیشرو، تحمیل قرار دادهای موقت، تقسیم بندی های مختلف و واگذاری هر بخش و رشته ای بدست کارفرمایان جداگانه با انواع قراردادهای جداگانه و بعلاوه تحمیل شرایط سخت کاری با مزد پایین و همزمان امنیتی کردن محل کار و نظامی کردن آن بود. کارگران در مراکز اصلی کارگری از جمله نفت، گاز و پتروشیمی ها از دوره رفسنجانی و دولت «سازندگی» با چنین تغییرات بنیادی و با وسیعترین تعرضات مواجه بوده است. تمام دولتهای دیگری که سر کار آمده اند این مسیر ضد کارگری را ادامه و تغییراتی را در قانون کار ضد کارگری در این مسیر و برای تامین این تعرض انجام داده اند.

اعتصابات این دوره که بطور گسترده از ۹۹ شروع و اکنون چهارمین دوره خود را طی میکنند، بیان پایان دوره سکوت، خفقان و فضای پادگانی در این مراکز است و این تحولی بزرگ در این مراکز و در توازن قوای میان کارگران و دولت و کارفرمایان است. در این چند سال کارگران بخشی از مطالبات خود را از کاهش ساعت کار تا روزههای تعطیلی و بهبودهایی در میزان دستمزدها و مسائل بهداشتی و زیستی را تامین کردند. اما سنگینی کار قراردادی و موقت، دستمزدهای پایین با توجه به تورم روزافزون گرانی سرسام آور، ساعت کار و مدت کار طولانی و... هنوز پا برجاست، چیزی که در این دوره اعتصاب کارگران به عنوان خواست های فوری و اصلی آنها تاکید شده است. امری مسلم است که ممنوع بودن تشکل کارگری در این بخش نیز مانند بقیه مراکز کارگری یک وزنه سنگین به نفع کارفرمایان و دولت و به زیان کارگران این مراکز است.

اعتصاب این چند سال به همت کارگران و با توجه به تلاشهای آنها، بعضی از معضلات را کاهش داد. اما پراکنده بودن مراکز و برگشت به محل زندگی همگی یا بخشی از کارگران در ایام اعتصاب و خصوصا در غیاب تشکل کارگری، امر حفظ اتحاد و یکپارچگی را مشکل کرده است. تلاش کارگران برای تجمعات کارگری و جمع شدن و تشکیل مجمع عمومی در روز معینی که در این چند سال چند بار اتفاق افتاده است و شاید مجمع عمومی هفشجان در مرداد ماه ۱۴۰۰ مهمترین آن بود، در جهت حفظ یکپارچگی اعتصابیون و دخالت و تصمیم جمعی آنها قدمی مهم بود. کارگران و شبکه فعالین آنها سعی کرده اند که بر معضلات پراکندگی از کانال وسعت دادن به شبکه های خود و حفظ ارتباط با کارگران بخشهای مختلف، دامنه تشنت و پراکندگی را کاهش دهند و توطئه و دسیسه های کارفرما، دولت و عوامل آنها را خنثی و تردید و دودلی ها را در صفوف خود کاهش دهند.

اما و علیرغم این تلاشها هنوز هم مهم ترین معضل کارگران در دوره اعتصاب چگونگی حفظ اتحاد و تصمیم جمعی از کانال دخالت همه کارگران و مجامع عمومی آنها است که برگزاری آن کار ساده ای نیست. این معضل هنوز هم مهترین مشکل اعتصابات کارگری در این مراکز و خصوصا برای کارگران پروژۀ ای نفت است. بی تردید حل این معضل و یافتن راههایی برای دسترسی ساده رهبران و فعالین کارگری به توده کارگران و ارتباط کارگران اعتصابی با هم و تجمعات آنها در یک یا چندین مرکز و شراکت آنها در کل تصمیمات و جواب به سوالات، تردیدها و مسائل و معضلاتی که کارگران اعتصابی با آن دست و پنجه نرم میکنند، مهترین فاکتور در تامین اتحاد کارگری و پیروزی کارگران در این جدال است.

اخبار این اعتصاب و اطلاع رسانی از دامنه آن و سیری که طی میکنند، مطلع کردن نه تنها کارگران اعتصابی که جامعه کارگری و مردم آزادیخواه از اعتصاب و تصمیمات و... بسیار مهم و فقدان آن از معضلات جدی در کل اعتصابات این چند سال بوده است. زمانی که

درب رسانه های رسمی عملا بر روی کارگران اعتصابی و اخبار آنها مثل همیشه بسته است، تامین کانالی برای خبر رسانی رسمی از جانب کارگران اعتصابی و فعالین و سخنگویان آنها یک نیاز فوری و مهم است. اعتصابات قبلی کارگران پروژۀ ای با همین معضل طرف بود، چیزی که متاسفانه هنوز حل نشده است. عدم وجود کانالی خبری چه برای خبر رسانی و چه برای مطلع کردن کل کارگران این مراکز و افکار عمومی از تصمیمات و هر برنامه ای که اعتصابیون دارند، ادامه اعتصاب و حفظ یکپارچگی را نه تنها سخت میکند که بعلاوه راه را برای انواع شایعات و اخبار جعل با هدف ضربه زدن به اعتصاب کارگران را هموار میکند. تجربه اعتصابات قبلی و همین اعتصاب در جریان و تلاش عده ای در بیرون مراکز نفتی برای اعمال نفوذ در میان آنها و تحمیل تصمیماتی به نام کارگران اعتصابی و تلاش برای به سازش کشاندن اعتصاب، ساخت و پاخت با کارفرمایان به نام کارگران اعتصابی و نهایتا شکست اتحاد کارگران و مجبور کردن آنها به کوتاه آمدن، امری دائمی بوده و لطماتی به اعتصابات کارگران زده است که جبران آن ساده نیست.

مطالبات اصلی کارگران نفت در طی این چند سال، تقریبا مطالبه کل طبقه کارگر در سراسر ایران است. اعتصابات کارگران در سایر بخشهای مختلف و طی یک دهه گذشته این حقیقت را نشان میدهد که بهبود زندگی و افزایش دستمزد، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، حق تشکل و کاهش ساعت کار و امنیت شغلی و علیه اخراج و پرونده سازی های امنیتی برای رهبران و سخنگویان کارگری، مطالبات سراسری طبقه کارگر و حتی اقشار دیگری از بخش محروم جامعه است. در نتیجه موفقیت هر بخش از کارگران در اعتراض و اعتصابات خود تاثیر فوری و مثبت بر بخشهای دیگری از کارگران در مراکز کارگری میگذارد. فتح هر سنگری در این مسیر عملا پیشروی مبارزات کارگری و افزایش اعتماد به نفس و امید و لذا اتحاد و همبستگی کارگری برای تامین آن را بالا میبرد.

معضلات اعتصابات کارگران نفت قابل فهم است، شرایط سخت و بعلاوه فشار اقتصادی، خصوصا زمانی که اعتصاب طول میکشد و نتیجه هنوز نامعلوم است و دولت و کارفرمایان با علم به این حقیقت، کوتاه نمی آیند، مشکلات واقعی است. اما بلاخره کل طبقه کارگر در مقابل سرمایه داران و دولتشان در یک کشتی نشسته اند و پیروزی در هر بخش بر سرنوشت کل طبقه ما تاثیر میگذارد، همچنانکه شکست هر اعتصاب کارگری هم اثرات منفی عمومی تری خواهد گذاشت. لذا رهبران و فعالین و پیشروان کارگری در همه بخشها لازم و ضروری است که پرچم همبستگی و دفاع و حمایت از کارگران اعتصابی را، امروز در حمایت از کارگران مراکز نفتی و فردا در هر بخش دیگری را بلند کنند. امروز در این اوضاع و بعد از یک ماه اعتصاب در مراکز نفتی جای این همبستگی و حمایت از اعتصاب در بخشهای دیگر، حتی در محلات کارگری و در میان خانواده های کارگران اعتصابی که غالبا در محلات کارگر نشین با هم زندگی میکنند، خالی است. اینها و بسیاری از مسائل دیگر و جواب به آن و تلاش برای رفع این موانع روی میز کارگران کمونیست و رهبران و فعالین کارگری قرار داد.

فضای عمومی جامعه ایران، سمپاتی عمومی و حمایتی از طبقه کارگر و مبارزات این طبقه برای رفاه و امنیت و آزادی، بسیار بالا است. این فضا به ما امکانی میدهد که نه تنها نیروی خود در یک مرکز بلکه نیروی وسیعی را به حمایت از خود و در کنار کارگران اعتصابی و خانواده های آنها تامین کنیم. تامین این مهم دیوار سانسور رسانه های حکومتی و ضد کارگری را میشکند، صف دشمنان ما را دچار تردید و ترس و وحشت میکند و حاکمیت و کارفرمایان را مجبور به عقب نشینی میکند. آنچه مسلم است فضای عمومی به نفع طبقه کارگر و به نفع کارگران اعتصابی در مراکز نفتی است و قطعاً همت و روشن بینی ما در برداشتن گامهای بلند برای پیروزی و تامین مطالبات اعتصاب تعیین کننده است.

مقابله امروز با این توحش برای ما مردم آزادیخواه برای طبقه کارگر و زنان و نسل جوان و برای جنبش اعتراضی وسیع و انسانی، که ترس و هراس و وحشت را در صف دشمنان ایجاد کرده است، در تقابلهای آتی و پیش رو تعیین کننده است. باید با قدرت و گستردگی بسیار بیشتری نشان داد اینتعرض به یک عضو جنبش کارگری، یک عضو جنبش حق زن با چه موج عظیمی از خشم و نفرت و اعتراض روبرو خواهد شد. باید حاکمیت و دستگاه عریض و طویل شکنجه و سرکوبش را از کرده خود پشیمان کرد! باید کاری کرد که هیچ قاضی مرتجع جاسارت تکرار چنین گستاخی هایی را به خود ندهد.

## کارگران کمونیست!

## حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل حزب شماست. حزب را از آن خود کنید!

حکم اعدام شریفه محمدی درست در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری در چهارم ژوئیه و با فاصله کمی روانه کردن تعدادی از فعالین حقوق زن در گیلان برای گذراندن محکومیت ۶۰ ساله شان، تلاش جبهه‌نانه جمهوری اسلامی در حمله به جامعه ای است که جدال روزمره آن برای آزادی، برابری و رفاه، زندگی را بر حاکمیت سپاه کرده است. این حکم نه تنها علیه شریفه محمدی که علیه همه زنان و فعالین کارگری و اجتماعی، علیه همه کسانی است که برای آزادی و برابری، برای رفاه و امنیت و برای آزادی زن در این جامعه در مقابل حاکمیت صف بسته اند. این حکم قرار است این صف را وادار به سکوت و تسلیم کند. موج حمایت سازمانهای کارگری، فرهنگیان، بازنشستگان، حمایت نمایندگان کارگری و زنان آزادیخواه و سوسیالیست اسیر در زندانهای جمهوری اسلامی، اتحادیه های کارگری در کشورهای اروپایی و ... از شریفه محمدی، صدای جامعه ای است که اعلام میکنند نه فقط سکوت و تسلیمی در کار نیست، که دست درازی به زندگی یک عضو این جامعه با مقاومت و تقابل چند میلیون نفر، که یک سر آن در زندان اوین و سر دیگر آن در دمازک و فرانسه است، روبرو خواهد شد.

حکم جبهه‌نانه اعدام شریفه محمدی یکبار دیگر قدرت طبقه کارگر و زنان و مردم آزادیخواه در ایران را تمام قد در مقابل چشمان وحشتزده جمهوری اسلامی قرار داد.

و این ماجرای اسب زین شده...

فربه در مسابقه اظهار فضل در بسته بندی روحانی و رئیسی در زوروق های اقتصاد سیاسی، در محاسبات تورم و چاپ پول و شاخص تولید و توسعه و امثال آن کوتاهی کرد. راستی جوهره خفه خون طرفین دعوا تا امروز از کجا آب میخورد؟ چرا این همه فضایل و شور حقایق حیاتی نه در بحبوحه انتخاب بلکه درست بعد از معرکه؟ افسوس بانک جهانی از نسخه انگلیسی مباحثه کیهان و رقبای اصلاح طلب بی اطلاع است تا دست از دسته بندی ایران در ته جدول امنیت و فقر و بحران دست بردارد؛ راستی حیث نیست، کارگر جماعت از کیهان و از فیض اقتصادی آن بی بهره میمانند تا شیر فهم شوند که در ایران نه گرانی یا بیکاری یا بی مسکنی بلکه ارزانی و نعمت و شغل و بهداشت و دارو حکمفرما است؟! یکی نیست بلاخره یک روز صاحبان قلم در کیهان و رسانه های رقیب را آدم حساب کند، با مطالعه اسناد و ارقام منتشره این حضرات لطف کند شربیت رهبر و قلچماق های قوه قضائیه و انتظامی از سر کارگران کم کند تا بروند در راه آبادی و توسعه ایران یقه حسن چاخان و باجناب ها و سیل تخلفات، دزدی، جعل و فساد و دزدی را بگیرند؟!!

از همه چیز به کنار، این دلکها با همه حقارت، در تمام قامت و نقش خود جزء تفکیک ناپذیر سناریوی انتخاباتی طبقه حاکم در ایران را تشکیل داده اند. از این «انتخابات» تا نوبت بعدی تشخیص و امکان دخالت کارگر و توده زحمتکش را سد میکنند، تا حرف حساب را بعد از زبان شریعتمداری و کیهان او توی بوق کنند. او از طرف جمهور اسلامی دارد ابواب جمع حکومت را با افسار رئیسی برای تضمین سودهای بادآورده از استثمار کارگران به خط میکند.

عمق مسخرگی آنجاست که مجادله بر سر دوران ریاست جمهوری روحانی و ابراهیم رئیسی است که سیاستها، وزیران و بوروکراتها، روشها و موازین در بیشترین شباهت با یکدیگر؛ و در مقابله با اعتراض و توقعات کارگری در تکمیل یکدیگر تدوین شده و تحقق یافته اند. رئیسی جز با مقدمات از پیشی روحانی و وزیر کارش نمیتوانست در جنون کاهش دستمزد حداقل، حذف یارانه ها، زدن بیمه بیکاری، هیاهوی از سر گیری بیغوله های معادن و آهن پاره های بجامانده در بنگاه های وامانده برای نسل ها تف و لعنت را تضمین کند. نمیتواند اتفاقی باشد که شرافت و آتش انتقاد هیچ کدام از طرفین درگیر را به پرونده «بیمه پانصد هزار کارگر ساختمانی» نزدیک نمیکند؛ جلوی دماغشان ورشکستگی بیمه و درمان کارگران، حذف بازرسی ایمنی کارخانجات، سیل سرکوب اعتراضات کارگری را به روی مبارک نمیآورند؛ حالتان بهم میخورد زمانیکه تعداد لایحه ها و مصوبات هر دو ریاست جمهوری در سهولت بکارگیری پول و دلار و سوبسید مالیات و برق، و از همه مهمتر در اعزام سخاوتمندانه شلاق و چماق دولتی برای خودشیرینی در آستان کارفرمایان علیه کارگران سر به آسمان کشیده است... آیا از این نویسندگان ستونهای صد تا یک غاز همانقدر پیش پا افتاده از شرافت بیهوده است که به شجره مشترک بازی با صندوقهای بازنشستگی، سرنوشت شکایت کارگران در زمینه بیمه ها و اخراجها توسط کارفرمایان سری زده باشند؟!!

اما انصافا نباید در وصف فراغت خاطر ناشی از تماشای این حضرات، از وفور آن کش و قوس و اطوار و بی قراری باسن های



# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:  
Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

تماس با حزب

 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

[aso.fotuhi@gmail.com](mailto:aso.fotuhi@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[sahand.sabet@gmail.com](mailto:sahand.sabet@gmail.com)

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

# برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده، در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



نینا

